

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۵، ویژه علوم سیاسی

بررسی ساختاری - مضمونی دلالت‌های سیاسی سوره مائده

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۴

تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۲۵

اکبر محمدی*

چکیده

سوره مبارکه مائده بیانگر مبانی و اصول متعدد سیاسی است. حق حاکمیت الهی بر هستی، انحصار قانونگذاری خداوند را بیان می‌دارد و اطاعت از رسول و پذیرش ولایت الهی از جمله حقوقی است که مردم باید رعایت نمایند. در مقابل حاکم اسلامی نیز موظف است قوانین الهی را اجرا نموده و بر طبق عدالت رفتار نماید و نسبت به حق حیات شهروندان خویش حساس باشد. از سوی دیگر اصولی برای سیاست خارجی و سیاست داخلی دولت اسلامی در این سوره آمده است که می‌توان به اصل وفای به عهد و اصل نفی سلطه در سیاست خارجی و اصل مهم برقراری نظم و امنیت در اجتماع از اصول مهم سیاست داخلی دولت اسلامی است که در سوره مائده به آنها تاکید شده است.

واژه‌های کلیدی: عدالت، سیاست خارجی، قانونگذاری، حاکمیت الهی، نفی سلطه.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب جامع هدایت بشریت علاوه بر مسائل اعتقادی و احکام فردی به مسائل حقوقی، اجتماعی و سیاسی نیز اهتمام ویژه ای وارد. در قرآن کریم از شاخص‌های سیاسی زیادی همانند تعیین اهداف نهایی و متوسط نظام سیاسی سخن به میان آمده است. و گاهی اوقات حتی به جزئیات نیز پرداخته شده است.

برخلاف دیدگاهی که آیات قرآن را همچون خطوطی پراکنده و ناموزون می‌بیند، براساس کاوش‌های جدید قرآن پژوهان معاصر، آیات هر سوره غرض واحدی را در پی می‌گیرد و نظمی هندسی بر ساختار سوره‌ها حاکم است. هر سوره از قرآن کریم ساختمان و ساختاری مخصوص به خود دارد که با دقت و استحکام بنا شده است. از ضرورت‌های قرآن پژوهی کشف دلالت‌های سیاسی قرآن و کاربست آنها در عملکرد و اندیشه سیاسی دولت اسلامی است. بدیهی است کشف انسجام مفاهیم درونی و ارتباط آن با دلالت‌های سیاسی هر سوره، یاری‌گر پژوهشگر سیاسی در فهم مضامین سیاسی قرآن کریم خواهد بود.

با توجه به این که نظام سیاسی خاصی در قرآن براساس سیادت و فرمانروایی مطلق الهی طرح گردیده است لذا در این نوشتار برآنیم با بهره مندی از روش ساختاری-مضمونی به بررسی دلالت‌ها و رهنمودهای سیاسی سوره مائده بپردازیم.

بخش اول: روش شناسی

در این تحقیق برای دستیابی به دلالت‌های سیاسی سوره مائده از دو روش تحلیل مضمون و تفسیر ساختاری در کنار هم استفاده شده است. در ذیل به معرفی مختصر هر

کدام از این روشها می‌پردازیم و در پایان با بیان مزایا و معایب هر یک از دو روش تحلیل مضمونی و تفسیر ساختاری، چگونگی کاربست آنها در این مقاله تبیین می‌گردد.

گفتار اول: تفسیر ساختاری

بهترین و مطمئن‌ترین روش برای کشف غرض یک سوره بررسی سیاق سوره و تکیه بر معنای منطوقی آن می‌باشد. سیاق در اصطلاح به طرز صورت بندی گفته می‌شود که برگرفته از چینش و نظم خاص کلمات یک متن است، به گونه‌ای که افزون بر معنای هر یک از کلمه‌ها و معنای جمله، معنای دیگری را نیز برای کلیت متن به همراه آورد و دانه‌های بظاهر پراکنده یک متن را همانند نخ تسیخ به همدیگر ارتباط دهد

از دیگر نشانه‌هایی که مفسران را به کشف غرض سوره‌ها راهنمایی می‌کند، اسم سوره است. برخی از مفسران تأکید دارند که اسامی سوره‌های قرآن ارتباط عمیق و محکمی با مقصود و غرض اصلی سوره داشته و اصولاً اسم سوره آینه تمام نمای اغراض آن است.

از ظرافت‌هایی که در آیات آغازین و پایانی سوره‌ها رعایت شده است، ارتباط معنی دار و عمیق این آیات با غرض و مقصود اصلی سوره است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از سوره‌های قرآن بدون مطالعه سایر آیات و تنها با توجه به آیات ابتدایی و انتهایی سوره می‌توان به هدف اصلی سوره پی برد.

اگر از گذرگاه دشوار و پردست انداز حجیت روایات شأن نزول بگذریم و جواز استفاده از آنها را در استنباطات قرآنی به دست آوریم، می‌توانیم از آنها در کشف غرض سوره بهره‌مند شویم.

مکی یا مدنی بودن از دیگر پارامترهای تفسیر ساختاری است که در دستیابی به هدف سوره‌های قرآنی به یاری پژوهشگر خواهد آمد. از این میان آنچه که به ما در کشف

و دستیابی به غرض سوره یاری می‌رساند ویژگی‌هایی است که جهت‌گیری محتوایی سوره را ترسیم می‌کند.

از دیگر ابزارهای شناخت غرض سوره‌ها، چگونگی کاربرد نامهای الهی و نسبت آماری مربوط به آن می‌باشد که جهت‌گیری سوره در مساله الوهیت یا ربوبیت بیان می‌دارد.

قصه‌های قرآنی نیز از پارامترهای کشف غرض سوره محسوب می‌گردد. از ویژگیهای قصص قرآنی، هم سو و هم جهت بودن آنها با مطالب سوره و هدف اصلی آن است. محور اصلی سوره ای هر چه که باشد واقعیت‌های تاریخی که در آن مطرح می‌شوند برآن مسئله تکیه دارند

گفتار دوم: تحلیل مضمون

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (محمد شیخ زاده، ۱۳۹۰)

در تحلیل مضمون، واحد تحلیل، بیشتر از یک کلمه یا اصطلاح است و به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها، بیشتر توجه می‌شود. همچنین، تحلیل مضمون از شمارش کلمات و عبارات آشکار، فراتر می‌رود و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌کند.

به طور کلی، مضمون، ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر، نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سوالات تحقیق است. (محمد شیخ زاده،

هنگام شروع تحلیل مضمون، مهم این است که پژوهشگر به گونه ای در داده‌ها غرق شود که با عمق و غنای محتوای آن‌ها کاملاً آشنا شود. غرق شدن در داده‌ها، مستلزم مطالعه و مرور مکرر داده‌ها به روشی فعال است.

تحلیل مضمونی به روش‌های گوناگون انجام می‌گیرد. در این نوشتار از روش تحلیل "شبکه‌ی مضمونی" بهره برده شده است که در این روش تلاش می‌شود از متن به مضامین پایه ای رسیده و پس از آن به مضامین سازمان دهنده و فراگیر رسید.

گفتار سوم: ترکیب روش ساختاری و مضمونی (ساختاری-مضمونی)

علیرغم اینکه بررسی سیاق در روش تفسیر ساختاری از جایگاه ویژه ای برخوردار است اما راهکاری روشن و کارآمدی برای بررسی روشمند آن مطرح نگردیده است و تنها بصورت کلی به بررسی سیاق توصیه شده است، لذا ما برای جبران این کاستی و غنای این بخش از روش ساختاری، از تحلیل مضمونی برای بررسی سیاق سوره بهره خواهیم گرفت. در روش تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل متن از کوچکترین واحد متن مورد نظر آغاز شده و تمامی مضامین آن بصورت دقیق و موشکافانه مورد تحلیل و بررسی قرا می‌گیرد و ارتباط همه اجزای متن با یکدیگر روشن می‌گردد. بدین صورت که با تحلیل متن به جزئی‌ترین واحدهای آن، مضامین پایه ای سوره استخراج شده و سپس مضامین سازمان دهنده از مضامین پایه ای بدست می‌آید و در پایان به مضامین فراگیر سوره می‌رسیم.

در این تحقیق تلاش شده است با ترکیب دو روش تحلیل مضمون و تفسیر ساختاری، از کاستی موجود در هر یک از این روشها پرهیز شده و با مضمون یابی دقیق و استفاده از اعجاز بلاغی قرآن بر باروری هر چه بیشتر تحقیق حاضر در کشف پیام اصلی سوره و ارتباط سنجی آن با سایر آیات افزود.

بخش دوم: محور موضوعی سوره ی مبارکه مائده

مدنی بودن سوره مائده، دایره محتوایی سوره را تضییق نموده و جهت گیری کلی سوره را درباره اهل کتاب و چگونگی نقض پیمان‌ها توسط آنها و قوانین تشریحی تعیین می‌کند.

علت نامگذاری این سوره به مائده و عقود و منقده، همچون چراغ راهنمایی در آغاز سوره، انسان را به این اصل اساسی رهنمون می‌شود که مائده و رزق و برکت و نعمتهای اقتصادی، تنها در پرتوی پایبندی به پیمانهای الهی است که بر انسان نازل می‌شود و حضرت عیسی علیه السلام به عنوان یکی از بندگان برگزیده الهی این پایبندی به پیمانهای الهی را در عمل نشان داد و راه سعادت را انتخاب کرده و از افتادن در دام ضلالت و گمراهی نجات یافت(المنقده).

با توجه به هماهنگی آیات ابتدایی و انتهایی سوره مائده، وحدتی که در سراسر سوره جریان دارد به نمایش گذاشته می‌شود. چرا که آیات پایانی سوره مائده که اختصاص به حضرت عیسی علیه السلام دارد او را به عنوان یکی از مصادیق موفق اوفو بالعقودی معرفی می‌کند که در ابتدای سوره به آن امر شده است. سوره مائده با امر به وفای به عقود آغاز شده و در پایان با یادآوری ملک و قدرت الهی، لزوم پایبندی انسانها را به پیمانهایی که با خدای خویش بسته اند متذکر می‌شود و همچنین داستان حضرت عیسی ع را به عنوان کسی که به پیمان بندگی وفا کرد یادآور می‌شود.

شان نزول، نزول سوره مائده را مربوط به زمانی می‌داند که از سویی نظامی اسلامی در مدینه استقرار یافته بود و در صدد تثبیت و تقویت پایه‌های خویش بود و از سویی دیگر منافقین داخلی و اقلیتهای موجود در جامعه اسلامی با عهد شکنی و برقراری ارتباط با مشرکین، درصدد توطئه و براندازی این نظام نوپا بودند. بنابراین نزول سوره در چنین زمانی، برای تاکید بر رعایت عهد و پیمانهای الهی و ممانعت از نقض آنها بوده

است. همانگونه اسماء الحسنای سوره در همین راستا در صدد هشدار به پیمان شکنان با ذکر قاهریت الهی نسبت به پیمان شکنان و مالکیت و صاحب اختیاری او نسبت به وضع پیمانها و قوانین الزامی الهی در این سوره می‌باشد.

قصه‌هایی که در سوره مائده آمده نیز در شاهد آوردن از محور موضوعی سوره با ذکر نمونه‌هایی از وفای به پیمان یا پیمان شکنی اهل کتاب و مسلمانان می‌باشد تا بر همگان روشن شود که پایبندی به عهد و پیمان الهی از چه اهمیتی بالایی برخوردار است. هر کدام از قصص سوره یادآور یکی از مصادیق عهد و پیمان الهی در مسئله امامت و ولایت، بندگی و حرمت قتل نفس می‌باشد.

آخرین بحثی که در این بخش به آن پرداخته می‌شود، بررسی سیاق سوره مائده با استفاده از تحلیل مضمونی این سوره است. در این بخش ابتدا مضامین پایه ای سوره با دقت در آیات سوره استخراج گردید که چیزی در حدود ۳۱۶ کد را در بر می‌گرفت. در ادامه با طبقه بندی کدهای بدست آمده به عناوین هفتاد و پنج گانه ای رسیدیم که هر کدام از آنها وجه مشترک تعدادی از کدهای پایه ای سوره بود و این کدهای پراکنده را تحت موضوعاتی کلی تر جای می‌داد. در پایان آنچه از عناوین سازمان دهنده که بایکدیگر در یک گروه معنایی قرار می‌گرفتند تحت عنوان مضامین فراگیر سوره مائده دسته بندی گردیدند. بطور کلی ما در این سوره به ۶ مضمون فراگیر دست پیدا کردیم که همه موضوعات گوناگون سوره را پوشش می‌دهد و آنها را تحت عنوان محور موضوعی سوره یعنی عهد و پیمان، قرار می‌دهد. مضامین فراگیر بدست آمده از سوره مائده عبارتند از:

- ۱- شرایط عهد و پیمان‌های الهی ۲- دعوت اهل کتاب به پیمان‌های الهی ۳-
- پیمان‌های اخلاقی- فردی ۴- پیمان‌های اجتماعی- سیاسی ۵- پیمان‌های اقتصادی ۶-
- پیمان‌های حقوقی- قضایی

بنابراین در این بخش با بهره گیری از روش ساختاری-مضمونی، روشن گردید که عهد و پیمان به عنوان محوری موضوعی سوره مائده می باشد و همه ی موضوعاتی که در این سوره طرح گردیده به مسئله محوری عهد و پیمان اشاره دارد.

بخش سوم: دلالت های سیاسی سوره مبارکه ی مائده

با توجه به آیات سوره مائده، چنین استفاده می شود که این سوره به مفاهیم سیاسی توجه ویژه ای دارد به گونه ای که یکی از مفاهیم فراگیر سوره، پیمانهای سیاسی-اجتماعی می باشد. در این سوره به بحث حکومت و حاکمیت توجه ویژه ای شده است به گونه ای که آیات سیاسی در این سوره هر کدام از آنها در صدد تبیین بخشی از مسایل مربوط به حکومت، حاکمیت، حاکم، عدالت، وظایف حاکم و بحث های درباره احکام و قوانین داخلی و خارجی دولت اسلامی می باشد.

در این گفتار با بررسی آیاتی از سوره مائده که به مسئله ملک الهی می پردازند اثبات می شود که همه هستی تحت قدرت مطلق پروردگار قرار دارد و او مالک بر هستی و هر آنچه که در آسمان و زمین است می باشد. و هر گونه که بخواهد قادر است بر ملک خویش فرمانروایی نموده و نمایندگان را برای این امر به سوی مردم گسیل دارد. در بخشی دیگر از آیات به مسئله لزوم اطاعت از خدا و رسول پرداخته و در ادامه آیاتی که اثبات ولایت و امامت امیرالمومنین علیه السلام مربوط می باشد بررسی خواهد شد.

گفتار اول : اصل سلطنت و حاکمیت الهی

مُلک (به ضم میم) به معنی سلطه و سیطره است که جدا از قوه و قدرت نیست، متعلق سلطه خواه مردم باشد یا اموال و املاک، چیزی که هست سلطه بر مردم سرچشمه مداخله در امور و شؤون آنهاست، همچنان که سلطه بر مال مایه تصرف در آن از طریق فروختن و بخشیدن است، و جامع هر دو همان تسلط، و تفاوت مربوط به متعلق است و به

خاطر اختلاف متعلق، هدف از سلطه متفاوت می‌باشد (سبحانی...تفسیر موضوعی قرآن) ملک در قرآن کریم، نمادی از فرمانروایی مطلق خداوند بر زمین و بهشت الهی هست. (مریم مدرس زاده / ۱۳۸۰)

خداوند متعال، در سوره مائده، خود را به عنوان مالک ملک هستی این‌گونه توصیف می‌کند: *وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ* (آیه ۱۷). همه ساکنان روی زمین مانند خود زمین و سرپای آسمانها و اجزای موجود در بین آنها مملوک خدای تعالی و مسخر در تحت ملک و سلطنت خدای تعالی است، و در نتیجه خدای تعالی حق تصرف در آنها را دارد، هر تصرفی که بخواهد

در آیه ۱۸ از سوره مبارکه مائده، زمین و آسمان و هر آنچه که در بین آن هست را ملک الهی دانسته (*وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا*) و آیه ۴۰ سوره مبارکه مائده نیز مضمون فوق را تکرار کرده و بر توانایی خداوند در بخشش و عذاب هر کسی که می‌خواهد مجددا تاکید می‌کند. (*يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيُعْزِزُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ*)

با توجه به آیات فوق روشن می‌شود که همه هستی و هر آنچه که در آن هست ملک الهی بوده و در اختیار اوست. بنابراین پس همه جا حوزه قدرت الهی است. چون همه جا حوزه قدرت الهی است همه جا حوزه قانون الهی است و قانون الهی برای انسان هاست، یعنی قانون پاداش و کیفر، عمل و عکس العمل در همه هستی که ملک الهی است جاری است. (مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن/ ۱۳۸۵)

کسی که مالک چیزی است، حق دارد هر آن طور که می‌خواهد با مملوک خویش رفتار کند و هر برنامه ای را که صلاح می‌داند برای او وضع کرده و قوانین و مقرراتی را بر او الزام کند. اگر چه خداوند متعال به این دلیل که حکیم است، هر برنامه یا قانونی را که وضع می‌کند صلاح و مصلحت افراد را مد نظر قرار می‌دهد و همه احکام و مقررات الهی تابع مصالح و مفاسد واقعی است.

اطاعت از خدا و رسول و ولایت امام

بنابراین تنها فرمانروای مطلق زمین و آسمان خداوند متعال است و همه هستی در اختیار اوست. و می‌تواند هر کسی را که می‌خواهد به عنوان نماینده خویش در زمین قرار دهد و مردم باید از همه اوامر و دستورات الهی اطاعت کنند.

به حکم عقل و تصریح قرآن کریم در سوره مائده، اطاعت خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام بر همه مردم، واجب است.

آیه ۹۲ سوره مائده به اطاعت از خدا اشاره کرده و آن را لازم شمرده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ...»؛ اگر چه بدیهی است که امر به اطاعت از خداوند، در آیات یاد شده ارشادی است؛ نه مولوی و گرنه موجب تسلسل می‌شود.

خداوند متعال از باب رحمت گسترده خویش بر بندگان و لطف بی‌کرانش بر آنان، از آغاز خلقت بشر، پیامبران و راهنمایانی همراه با تعالیم و دستورات حیاتبخش را به سوی بندگان فرو فرستاد تا آنان با ارشاد بشر و ابلاغ این تعالیم و معارف الهی، انسان‌ها را به سوی حق و راه هدایت رهنمون سازند و از انحراف و سقوط آنان در دام شیاطین جن و انس جلوگیری کنند.

پس از سپری شدن عصر رسالت هر یک از انبیاء، به امر الهی جانشینانی را برای خویش برگزیدند تا رسالت و راه آنان را ادامه دهند و از دین و عقاید مؤمنان پاسداری نمایند.

خداوند متعال با نزول آیات متعدد و در مراحل و مواقع مختلف ویژگی‌های برجسته این حجت‌های الهی و جانشینان پیامبر را برای مسلمانان تبیین نمود و آنان را به عنوان ولی و سرپرست مسلمانان و کسانی که امت اسلامی می‌بایست از آنان پیروی نمایند معرفی کرد. در همین راستا در ذیل به بررسی آیاتی از سوره مائده می‌پردازیم که درباره جانشین پس از پیامبر خاتم و ولایت او بر امت پیامبر آمده است.

آیه ولایت

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
(آیه ۵۵). ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.

در پانزده تفسیر از قرآن (التبیین، نمونه، المیزان...)، نویسندگان این تفاسیر بر این باورند که این آیه درباره امام علی علیه السلام نازل شده و دلالت بر ولایت بلافصل او بعد از پیامبر ص می کند. هم چنین در این تفاسیر به روایاتی اشاره شده که مصداق و شان نزول این آیه را حضرت علی علیه السلام معرفی می کند. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۲۵)

این آیه با کلمه «انما» که به انحصار دلالت دارد آغاز شده است و معنای آیه این است که ولی و سرپرست شما تنها خداوند و رسول او و کسی است که در حال رکوع در راه خدا انفاق می نماید. طبق نظر تفاسیر مختلف و روایات وارده، این شخص تنها علی ابن ابی طالب است بر این اساس مطالبی که برخی از مفسران اهل سنت بیان کرده اند و «ولی» در آیه فوق را به معنای دوست و یاور دانسته اند صحیح نیست زیرا ولایت به معنای دوستی و یاری کردن تنها اختصاص به کسانی که در حال رکوع انفاق می کنند ندارد بلکه یک حکم عمومی است و تمام مسلمانان را در بر می گیرد.

آیات تبلیغ و اکمال دین

پیامبر اسلام در سال آخر عمر مبارک خود به همراه مردم مدینه و دیگر سرزمین‌های اسلامی که جمعیت آنان بالغ بر صد هزار نفر می گردید عازم حجه الوداع شدند پس از انجام مراسم حج و در بازگشت، هنگامی که به منطقه‌ای بنام «غدیر خم» رسیدند فرشته وحی بر آن حضرت نازل گردید و به پیامبر فرمان داد که آنچه قبلاً بر او نازل شده است را به مردم ابلاغ نماید. (مجمع البیان، ذیل آیه ۶۷ مائده)

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ... ای رسول، آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل گردیده را به مردم ابلاغ نما و اگر این کار را نکردی رسالتت را انجام نداده ای» (آیه ۶۷ مائده).

ولی پیامبر از ابلاغ صریح این امر نگران بود و خوف آن را داشت که مردم نپذیرند و در برابر او به مخالفت برخیزند لکن خداوند در ادامه این آیه به پیامبرش اطمینان می‌دهد که از هیچ چیز و هیچ کس خوفی نداشته باشد زیرا خداوند او را از شر مردم نکه می‌دارد. (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ) در پی نزول این آیه پیامبر، محتوای آیه را به مردم ابلاغ کرد و امام علی ع را به عنوان ولی و سرپرست مردم پس از خویش معرفی کرد.

پس از پایان سخنان پیامبر و ابلاغ این پیام الهی آیه اکمال دین نازل شد و خطاب به همه مسلمانان گفت: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ (آیه ۳ مائده) امروز آئین شما را کامل و نعمت را به شما تمام کردم و اسلام را به عنوان آئین شما پذیرفتم.

بدین ترتیب بود که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به فرمان الهی ولایت و خلافت علی عَلِيٍّ را به صراحت به مسلمانان اعلام کرد و مسلمانان را به پیروی از علی عَلِيٍّ پس از خود توصیه نمود و لکن با تأسف فراوان عالمان اهل سنت این آیه و روایات نقل شده (المیزان ج ۵ ص ۳۱۴) در این مورد را همانند دلایل دیگری که در این باره وجود دارد توجیه و تأویل نمودند و بدین وسیله حقیقت امر را به بسیاری از مسلمانان پوشیده داشتند و آنان را از این نعمت عظیم ولایت و رهبری شایسته که موجب سعادت انسان در دنیا و آخرت می‌گردد و آثار و برکات زیادی در سرازیر شدن نعمات الهی بر مردم دارد، محروم ساختند. (۶۶ مائده)

گفتار دوم: وظایف حاکم اسلامی

پس از آنکه در بخش‌های پیشین روشن گشت که همه ی آسمانها و زمین ملک الهی است و خداوند فرمانروای مطلق هستی است و هر کسی را که بخواهد به جانشینی خویش تعیین می‌نماید. و همچنین با استفاده از آیات سوره مبارکه مائده روشن شد که خداوند متعال، رسول و امامان معصوم رابه عنوان نمایندگان خویش در زمین تعیین کرده و رهبری جامعه اسلامی را بدست آنان سپرده است و اطاعت از آنان را بر مردم واجب نموده است. در ادامه به تحلیل و بررسی آن بخشی از آیات سوره مبارکه مائده می‌پردازیم که وظایف حاکم اسلامی را در دولت اسلامی بیان می‌دارد.

۱. عدالت

عدالت به عنوان یک مسئله اجتماعی - سیاسی دارای اهمیت زیادی می‌باشد و در اداره حکومت از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

نقش تعیین کننده عدالت در اجتماع غیر قابل انکار می‌باشد و هیچ اجتماعی نمی‌تواند بدون عدالت بقای خود را شاهد باشد. جامعه ای که شاهد عدالت در بین افراد اجتماع نباشد با مشکلات زیادی روبرو خواهد شد. هیچ گونه حکومتی قادر نیست بدون توجه به عدالت به بقای خویش ادامه دهد. عدالت در اسلام به اندازه ای مهم است، که عدل زیربنای فقه شیعی به شمار می‌رود. (مرتضی مطهری، عدل الهی ۱۳۹۲) و بسیاری از مباحث حسن و قبح عقلی و حکمت و عدالت الهی بر همین اساس استوار است.

عدالت سیاسی آن است که امور کشور بطور شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. برخورداری از برابری، آزادی، امنیت و آسایش، به عنوان حقوق طبیعی افراد جامعه، تامین کننده این فضای عادلانه خواهد بود. موارد فوق از جمله حقوقی است که طبقه فرمانروا باید به مردم اعطا کند. در مقابل مردم نیز باید حقوق طبقه حاکم را بپردازند که منظور از حقوق طبقه حاکم همان اطاعت است که در آیه ۹۲

سوره مائده (وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ) بیان شده است. در ادامه آیاتی از سوره مائده را که به مسئله عدالت پرداخته مورد بررسی قرار می‌دهیم.

آیه ۸ از سوره مبارکه مائده اولین آیه ای است که بر اهمیت عدالت، توجه و تاکید دارد: «ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»

در اسلام اجرای عدالت تا جایی دارای اهمیت است که نه تنها درباره دوست، که درباره دشمن نیز مورد سفارش است. آیه فوق به یکی از عوامل انحراف از عدالت اشاره نموده، به مسلمانان چنین هشدار می‌دهد که: "نابید کینه‌ها و عداوتهای قومی و تصفیه حسابهای شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد، زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است."

بنابراین با توجه به آیه ۸ سوره مائده روشن می‌گردد که رهبر جامعه اسلامی نباید تحت تاثیر احساسات و کینه‌ها قرا گیرد و از طریق عدالت منحرف شود.

از دیگر آیاتی که بر عدالت سیاسی دلالت دارد آیه ۴۲ سوره مائده می‌باشد:

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۴۲)

آیه خطاب به رسول الله به عنوان حاکم جامعه اسلامی می‌گوید اگر خواستی در میان آنها (اهل کتاب) داوری کنی حتما باید اصول عدالت را رعایت نمایی زیرا خداوند افراد دادگر و عدالت پیشه را دوست دارد.

از این آیه استفاده می‌شود که مسائل نژادی، منطقه‌ای، تعصب‌های گروهی، تمایلات شخصی و تهدیدها نباید در قضاوت حاکم اسلامی تاثیر بگذارد. «فَاحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ» و

عدالت همیشه و با هر گروه، یک ارزش خداپسند است. «فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»

۲. اجرای قوانین الهی

حاکم جامعه اسلامی کسی است که در راس جامعه دینی قرار گرفته است و باید بر طبق قواعد و مقررات اسلام حکم کند. از جمله ی وظایف حاکم اسلامی اینست که طبق آن چیزی که خداوند نازل کرده است حکم کند و هرگز امیال شخصی یا منافع مادی و غیر الهی را در حکم خویش دخالت ندهد.

اهمیت این مسئله به اندازه ای است که در سوره مائده در پنج آیه پشت سر هم لزوم حکم بما انزل الله آمده است.

و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الكافرون (المائده/۴۴)

و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الظالمون (المائده/۴۵)

و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون (المائده/۴۶)

فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ (المائده/۴۸)

وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ

اللَّهُ (المائده/۴۹)

درباره کسانی که طبق قانون الهی حکم نمی‌کنند، در سه آیه ابتدایی پیاپی، تعبیر «ظالمون»، «فاسقون» و «کافرون» به کار رفته است. چون چنین کسانی، از جهت زیر پا گذاشتن قانون خدا کافرند، و به خاطر خروج از مرز مسئولیتشان فاسقند و به علت آنکه در حق متهمان ستم می‌کنند، ظالمند. (تفسیر نور ج ۲ ص ۳۰۵) و دو آیه دیگر از تبعیت از

هواهای نفسانی نهی کرده و از فتنه‌هایی که برای تغییر حکم الهی وجود دارد بر حذر داشته است.

بنابراین حکم کردن بر طبق آنچه که خدا امر کرده از وظایف حاکم اسلامی به شمار می‌رود و تخلف از آن منجر به ظلم به مردم می‌شود. انسانهایی که بر طبق احکام الهی به داوری و قضاوت نمی‌پردازند در آیه ۵۰ سوره مائده مورد عتاب قرار گرفته اند که حکم جاهلیت را بر حکم الهی ترجیح می‌دهند.

۳. حفظ و تامین امنیت جانی همه شهروندان

برای تداوم حیات انسان در زمین، و حفظ روابط اجتماعی و سیاسی انسانها، شناخت حقوق و رعایت آن ضروری است. اولین حقوق شهروندی که در اسلام مطرح و حائز اهمیت است حق حیات می‌باشد، چون تمام حقوق، به حیات انسان تعلق دارد. بنابراین حیات انسان محترم است و کسی حق تعرض و تعدی به آن ندارد. در اسلام، انسان تا حدی محترم و ارزشمند است، که فلسفه وجود هستی بخاطر اوست (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا. سوره بقره/۲۹)

طبق تصریح آیه ۳۲ سوره مائده، سلب حق حیات یک فرد بدون جرم (قصاص، فساد) همانند قتل تمام بشریت است. و احیای فردی همانند زنده کردن و حیات بخشیدن به همه جامعه است.

«مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا». سوره مائده/۳۲.

در این آیه، کشتن یک انسان به منزله‌ی قتل همه‌ی مردم مطرح شده است. علاوه بر توضیحی که از علامه طباطبایی پیش از این ذکر شد، علت این تمثیل می‌تواند این باشد که قتل یک نفر، بی‌اعتنایی به مقام انسانیت است بنابراین برابر با قتل همه مردم

است. و یا اینکه منظور از آن این است که قتل یک نفر، امنیت روانی جامعه را دچار تهدید کرده و سلب امنیت از همه‌ی مردم می‌کند. (تفسیر نور، ج ۲ / ص ۲۸۱)

با توجه به اهمیتی که در حفظ جان انسانها در اسلام و نجات آنها از خطرات وجود دارد، حاکم اسلامی باید نسبت به حق حیات همه شهروندان خویش احساس مسئولیت کند و زمینه امنیت جانی افراد را برای شهروندان جامعه اسلامی فراهم کند و به دلیل امیال شخصی و منافع مادی جان انسانها را به خطر نیندازد.

گفتار سوم: اصول سیاست خارجی دولت اسلامی

با توجه به آرمان‌های جهانی اسلام و نیز گسترش ارتباطات در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دولت اسلامی نمی‌تواند خود را در محدوده جغرافیایی خاصی محصور کند. دولت اسلامی براساس آموزه‌های دینی و نیز نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی باید با دیگر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشته باشد تا در پرتو روابط بین‌المللی بتواند پیام الهی را به گوش جهانیان برساند.

قرآن کریم در زمینه مسائل سیاسی در حد بیان کلیات و چارچوب‌های کلان سیاست خارجی بسنده کرده است، این کلیات عبارت از همان اصول سیاست خارجی دولت اسلامی است که سیاست خارجی دولت اسلامی را سامان می‌بخشد و دولت اسلامی ملزم را به رعایت این اصول در سیاست خارجی می‌سازد.

در این بخش از نوشتار به اصولی از سیاست خارجی که در سوره مائده به آنها پرداخته شده می‌پردازیم که عبارتند از: «حرمت جنگ در ماه‌های حرام و تعظیم شعائر الهی»، «اصل نفی سبیل»، و «اصل پای بندی به معاهدات بین‌المللی» که در ادامه به بحث درباره هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

۱. حرمت جنگ در ماههای حرام و تعظیم شعائر الهی

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ...» (مائده/۲) این آیه خطاب به افراد با ایمان کرده می فرماید: شعائر الهی را نقض نکنید و حریم آنها را حلال نشمرید. (یا ایها الذین آمنوا لا تحلوا شعائر الله). در اینکه منظور از شعائر الهی چیست در میان مفسران گفتگوی بسیار است، ولی به تناسب سایر قسمت‌های این آیه، و با توجه به سال نزول آن (سال دهم هجری) که سال حجة الوداع پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود، چنین به نظر می آید که منظور از شعائر، مناسک و برنامه های حج باشد که مسلمانان موظفند احترام همه آنها را نگاه دارند. (تفسیر نمونه، ج ۴/ص ۲۵۰) همچنین آیه در ادامه خطاب به مومنان دستور می دهد که احترام ماههای حرام را نگاه دارید و از جنگ کردن در این ماهها خودداری کنید" (وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ).

بنابراین آیه فوق دو مسئله مهم را در سیاست خارجی دولت اسلامی بیان می دارد. یکی اینکه نگه داشتن احترام کعبه به عنوان خانه امن الهی و تعظیم آن بر همه مسلمانان و کشورهای اسلامی ضروری است. و دیگر اینکه از جنگ در ماههای حرام در این آیه منع شده است.

۲. اصل وفای به عهد

وفای به عهد در زمره اصول سیاست خارجی دولت اسلامی قرار دارد. دولت اسلامی موظف است بر اساس آن به کلیه معاهدات و پیمان‌های سیاسی و نظامی بسته شده با دیگر جوامع با دیده احترام بنگرد و التزام و پای بندی خویش را حفظ کند.

اصل وفای به عهد و پیمان یکی از دستورهای مؤکد اسلام است که در آیات بسیاری به آن توصیه شده است. مهم ترین آیه ای که در قرآن در این باره وجود دارد، نخستین آیه سوره مائده است که در آن به طور مطلق بر لزوم رعایت پیمان‌ها و وفای به عقود تاکید شده است. (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ)

از نظر حوزه شمول و ابعاد این اصل، تفاسیر و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه گردیده است. آیا وجوب وفای به عهد کلیه عهدها، اعم از پیمان‌های مکتوب و شفاهی را در بر می‌گیرد یا اختصاص به پیمان‌های رسمی و مکتوب دارد؟ عده‌ای از مفسران با استناد به مطلق بودن «عهد»، پیمان شفاهی و مکتوب را مشمول آن می‌دانند. برخی بالاتر از اطلاق، ادعای عموم لفظ «عهد» را مطرح کرده و آن را شامل کلیه موثقیق و تعهدات می‌دانند و می‌گویند: این حکم از نظر حوزه شمول به معاهدات میان مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه مربوط به تمام افراد و کلیه پیمان‌ها می‌گردد، البته با رعایت حلال و حرام الهی؛ بنابراین لفظ عهد، عام و شامل کلیه عقود و پیمانی است که مطابق دیانت در مسائل اقتصادی (بیع) و اجتماعی و سیاسی منعقد گردیده است. (المیزان / ذیل آیه اوفو بالعقود)

۳. اصل نفی سلطه پذیری

در دنیای معاصر، هیچ کشوری قادر نیست بدون همکاری و ارتباط با سایر کشورها به حیات سیاسی، صنعتی و اقتصادی خویش به طور شایسته‌ای ادامه دهد. دولت اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. براساس آموزه‌های دینی، نیازها و ضرورت‌های زندگی عصر کنونی باید در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با سایر ملت‌ها و دولت‌ها ارتباط داشت.

اسلام برای این روابط اصولی را ترسیم می‌کند، که از جمله آن‌ها «اصل نفی سلطه‌پذیری» است. طبق این اصل که برگرفته از آیات قرآن مجید است، حفظ استقلال و عزت دولت اسلامی و مسلمانان و نفی هر گونه سلطه در ابعاد مختلف ضروری است. این اصل از اصول مهمی است که بر تمام روابط خارجی و بین‌المللی مسلمانان در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حاکمیت دارد و کلیه روابط مسلمانان بایستی بر اساس آن برنامه ریزی شود.

اگر چه مهم ترین مستند اصل نفی سبیل که مورد استناد فقها قرار گرفته است، آیه ۱۴۱ سوره نساء می باشد (وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) ولی آیاتی از سوره مائده که از دوستی و ارتباط با کفار و اهل کتاب نهی می کند نیز بر همین مضمون دلالت دارد.

آیه ۵۱ سوره مائده خطاب به مومنین می گوید که یهود و نصاری را دوستان خود نگیرید که کافران با همدیگر دوست و هم پیمان هستند. (لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ)

این آیه کسانی را که یهود و نصاری را به دوستی بر می گزینند جزئی از آنان می داند که نسبت به امت اسلامی ظلم کرده و با دشمنان اسلام طرح دوستی می ریزند. (وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)

از نظر قرآن اهل کتاب و مشرکین به دلیل دشمنی که با مومنان دارند هرگز خیر و صلاح آنها را نمی خواهند و همانگونه که ادیان خویش را دچار تحریف ساختند نسبت به ایمان مسلمانان نیز دشمنی دارند «عَدَاوَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (مائده/۸۲)

آیه ۸۰ سوره مبارکه مائده، کسانی از اهل کتاب را که با کفار رابطه برقرار می کنند، مورد سرزنش قرار می دهد «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ» در آیه بعدی علت دوستی با کفار را بخاطر ایمان نداشتن اهل کتاب به خدا و پیامبر اسلام بیان می دارد و می گوید که بیشتر این افراد به دلیل دوستی با کفار، فاسق هستند. «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (مائده/ ۸۱)

بنابراین نفی سلطه بیگانگان از مهم ترین اصول سیاست خارجی است که آیاتی از سوره مائده نیز ذیل عنوان نهی از دوستی با کفار و اهل کتاب به آنها پرداخته است.

بنابراین قراردادها و همکاری‌های بین‌المللی که زمینه را برای استیلاهای فکری، فرهنگی و سیاسی کفار بر مسلمانان فراهم آورند، از نظر قرآن مردود می‌باشند.

گفتار چهارم: سیاست داخلی دولت اسلامی

از سایر مباحث مهمی که سوره مائده بدان پرداخته مباحث مربوط به اصول سیاست داخلی دولت اسلامی است. در ادامه اصولی را که در این سوره به آنها پرداخته شده بررسی می‌کنیم.

اگر آموزه‌های مختلف دین اسلام درباره‌ی نظام اجتماعی را مورد ارزیابی قرار دهیم، می‌توانیم ادعا کنیم که اسلام بهترین و مترقی‌ترین راه‌ها را برای انتظام ساختار اجتماعی ارائه نموده است و در واقع، در تمامی زمینه‌های اجتماعی، مثل تشکیل خانواده و انواع روابط اجتماعی و حقوق اجتماعی افراد و غیره، راهکارهای قانونی و عملی ارائه کرده است. هم‌چنین موانع اجرایی این قوانین اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده و برای رفع موانع موجود در راه انتظام زندگی اجتماعی، احکام و مقرراتی را وضع نموده و برعهده‌ی حاکمان جامعه‌ی اسلامی قرار داده است. در این جا به برخی از این راهکارهای عملی اسلام، برای تنظیم زندگی اجتماعی، از دیدگاه محقق اردبیلی می‌پردازیم:

۱. برقراری نظم و امنیت در اجتماع

یکی از اساسی‌ترین راهکارهای دولت اسلامی برای انتظام زندگی اجتماعی، برقراری نظم و امنیت در اجتماع است. بدلیل اهمیتی که برقراری نظم و امنیت دارد یکی از دلایل مهم ضرورت حکومت، انتظام جامعه و جلوگیری از مفاسد اجتماعی و اختلال نظم و امنیت در زندگی اجتماعی است. بنابراین، برای تأمین نظم و امنیت داخلی، اجرای مقررات اسلامی، مثل حدود و دیات و... از جمله عواملی است که به ریشه کن شدن ظلم و فساد و برقراری صلح و آرامش در جامعه کمک می‌کند. برخی از راهکارهایی که در سوره مائده، در جهت تأمین نظم و امنیت و جلوگیری از فساد و فتنه، آمده است عبارتند از:

الف) جلوگیری از سرقت اموال مردم

یکی از مسائلی که امنیت اجتماع را بر هم می‌زند، سرقت و تجاوز به حقوق مالی دیگران است. از این رو، در نظام سیاسی اسلام، پس از تبیین راه‌های مشروع و صحیح کسب درآمد و اشتغال، برای جلوگیری از ناامنی که به وسیله سارقان در جامعه پدید می‌آید، مقررات و احکامی در نظر گرفته شده است. حکومت اسلامی با کسانی که باعث ایجاد ناامنی و هرج و مرج شده و مال دیگران را به سرقت می‌برند، به شدت برخورد می‌کند. محقق اردبیلی با استناد به آیه ی ۳۸ مبارکه مائده (و السارق و السارقة فاقطعوا یدیهما جزاء بما کسبا نکالاً من الله عزیز حکیم) به این مسئله اشاره کرده و می‌گوید:

«براساس مقررات اسلامی، چنان چه شخص عاقل و بالغ مال دیگران را سرقت نماید و نزد حاکم اسلامی شرایط سرقت درباره ی او محقق گردد، به وسیله ی حاکم اسلامی مجازات می‌گردد» (مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۳، ص ۲۱۳-۲۸۵)

ب) برخورد با محاربان

گروهی دیگر از کسانی که نظم اجتماع را بر هم زده و امنیت عمومی را به خطر می‌اندازند، محاربان مسلح می‌باشند.

محارب و محاربه از واژه حرب مشتق است و به معنای جنگ می‌باشد. محاربه یعنی جنگ طلبی و محارب یعنی جنگ طلب (دهخدا. «محاربت»)

امام خمینی در تحریرالوسیله در تعریف محارب می‌گوید:

محارب به کسی گویند که اسلحه خود را به منظور تهدید و ترساندن مردم از غلاف در آورد و یا آن را مجهز سازد و قصد افساد در زمین را داشته باشد، چه در خشکی و چه در دریا، چه در شهر و چه در روستا، چه در شب و چه در روز (تحریرالوسیله / جلد چهارم / مبحث حد محارب)

عمل محارب باعث صدمه به مردم و ایجاد ترس و وحشت در آنها می‌شود. بر این اساس خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره مائده مجازات‌های سنگینی را برای محاربه وضع کرده است. در محاربه چهار نوع کیفر برای محارب منظور شده است که عبارتند از: اعدام محاربان، به صلیب کشیدن، بریدن دست و پا در جهت مخالف و تبعید آنان از زادگاه خود. قرآن کریم این حدود را در آیه ی زیر متذکر شده است که فرمود: *إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ (مائده / ۳۳)*

این آیه از مهمترین آیات مربوط به احکام کیفری در قرآن است. که به دلیل اهمیت و ابهامی که در آن وجود دارد مباحث مفصلی را در کتب فقهی و تفسیری دامن زده و در مورد مفهوم و مصادیق آن نظرات مختلفی ابراز شده‌است. که از حوصله ی این نوشتار خارج است.

ج) عدالت اجتماعی

یکی از وظایف حکومت، جلوگیری از ظلم ظالمان و گرفتن حق مظلومان از آنها است. بنابراین، اساس روابط اجتماعی از نظر اسلام مبتنی بر عدالت است و حکومت اسلامی نیز موظف است در برقراری عدالت، در روابط اجتماعی کوشا باشد. در جامعه ی اسلامی، همه ی انسان‌ها موظف به رعایت قسط و عدالت هستند. از این رو، قرآن کریم مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» (مائده/۸)

خداوند سبحان در این آیه ی مبارکه، مؤمنان را به مواظبت از عدل و کوشش برای اقامه‌ی عدالت امر کرده است.

مسلمانان موظفند برای برقراری عدالت در روابط اجتماعی خود کوشا باشند. علاوه بر آن حکومت اسلامی موظف است که از هر گونه ظلم و تعدی در زندگی اجتماعی مسلمانان مانع شده و از تعدیات و تجاوزات افراد جامعه، به یکدیگر جلوگیری کند. همچنین، حکومت اسلامی، خود نیز باید از زورگویی، تکبر و ظلم و ستم به مردم پرهیز نماید و در صدد برقراری عدالت در همه ی سطوح جامعه باشد.

نتیجه گیری

دستیابی به دلالت‌های سیاسی سوره مائده از جمله مسائلی است که می‌تواند الگویی مناسب برای کشورهای اسلامی ارائه دهد. دلالت‌های سیاسی مطرح شده در این سوره در راستای شناخت منشا حاکمیت و چگونگی مشروعیت حکومت و حاکم اسلامی، یکی از مبانی مهم سیاسی است که می‌تواند تبیین کننده حکومت مشروع دینی و چگونگی اقامه و استقرار آن، از نظر قرآن باشد.

حق حاکمیت الهی بر هستی، انحصار قانونگذاری خداوند را به عنوان مالک هستی بیان می‌دارد و اطاعت از رسول و پذیرش ولایت الهی از جمله حقوقی است که مردم باید رعایت نمایند. در عوض اطاعتی که مردم باید داشته باشند در مقابل حاکم اسلامی نیز موظف است بر طبق ما انزل الله حکم کرده و قوانین الهی را در جامعه اجرا نماید. از جمله وظایف حاکم اسلامی این است که بر طبق عدالت رفتار نماید و نسبت به حق حیات و حفظ امنیت شهروندان خویش احساس وظیفه کند. علاوه بر بیان وظایف حاکم و چگونگی رفتار او با مردم برخی از وظایف دولت اسلامی در سوره مائده مطرح شده است که می‌توان به اصولی برای سیاست خارجی و سیاست داخلی دولت اسلامی در این سوره آمده است اشاره کرد.

حرمت جنگ در ماههای حرام و رعایت احترام کعبه از جمله ی اصول سیاست خارجی دولت اسلامی می‌باشد. از دیگر اصولی مهم که سوره مائده بیانگر آن است

می‌توان به اصل وفای به عهد و اصل نفی سلطه در سیاست خارجی اشاره کرد. اصول سیاست داخلی دولت اسلامی تحت عنوان کلی برقراری نظم و امنیت در اجتماع قرار می‌گیرد که در سوره مائده به آنها تاکید شده است. تامین امنیت اجتماعی و اجرای مقررات اسلامی مثل حدود و دیات از جمله ی اصول مهمی است که دولت اسلامی موظف به رعایت آنها در سیاست داخلی خویش است.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. طباطبایی محمد حسین/ المیزان/ نشر جامعه مدرسین/ ۱۴۱۷ ق.
 ۲. شیخ زاده محمد/ تحلیل مضمون و شبکه مضامین/ اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
 ۳. سبحانی جعفر/ تفسیر موضوعی قرآن حرف میم/ ماهنامه مکتب اسلام ۱۳۷۶ شماره ۸.
 ۴. مدرس زاده مریم/ بررسی تطبیقی مفهوم ملک «در قرآن کریم با شهر یور» در اساطیر ایرانی و نقش فلز در دو آیین/ نشریه فرهنگ/ بهار و تابستان ۱۳۸۰ - شماره ۳۷ و ۳۸ (صفحه - از ۳۶۱ تا ۳۷۶).
 ۵. مطهری مرتضی - آشنایی با قرآن - جلد ۶ / نشر صدرا، ۱۳۸۵.
 ۶. تفسیر نمونه، ج ۴ / نشر دارالکتب الاسلامیه / ۱۳۷۵ ش.
 ۷. ترجمه مجمع البیان/ نشر فراهانی/ ۱۳۶۰ ش.
 ۸. مطهری مرتضی/ عدل الهی/ نشر صدرا ۱۳۹۲ ش.
 ۹. قرآنی محسن، تفسیر نور ج ۲/ نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن/ ۱۳۸۳ ش.
 ۱۰. دهخدا علی اکبر/ لغتنامه دهخدا/ دانشگاه تهران/ ۱۳۷۷ ش.
 ۱۱. خمینی روح الله موسوی/ تحریر الوسيله// چاپ دارالعلم/ ۱۳۷۸ ش.